

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
In Search of the Meaning of Home: Explaining the Physical
Components Reflecting Its Meaning Through the Theoretical Lens of
Phenomenology Case study: Hamedan Yard Homes
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

در جست‌وجوی معنای خانه: تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی مطالعه موردی: خانه‌های حیاط‌دار همدان*

شیما اسلام‌پور^۱، سعید میرریاحی^{۲*}، سوزان حبیب^۳

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد پروفسور حسابی، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران.

۲. دانشیار گروه معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه معماری، واحد پروفسور حسابی، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

چکیده

بیان مسئله: خانه به‌عنوان بستری برای زندگی انسان که با تمام ابعاد زندگی او در ارتباط است، در طی چند دهه گذشته، به‌صورت قفسی بی‌روح درآمده و برای ساکنان خود مفهومی از خانه را تداعی نکرده است. در این راستا شناخت مؤلفه‌های کالبدی معنابخش به خانه به‌عنوان یک مکان، می‌تواند در ایجاد مکان‌های معنادار برای انسان مفید واقع شود.

هدف پژوهش: هدف تحقیق، بازگشت به معنای خانه و شناسایی مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا با استفاده از رهیافت پدیدارشناسی و کاربست مفاهیم آن به‌منظور کیفیت‌بخشی به خانه‌های امروزی است. **روش پژوهش:** این مقاله با رویکردی کیفی و به روش گراند‌تئوری انجام شده و داده‌ها با استفاده از اجماع سه شیوه گردآوری شده است. در این راستا ابتدا با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای، به مطالعه مفاهیم، نظریه‌های مرتبط با معنای مکان در پدیدارشناسی و ابعاد هستی انسان پرداخته شده است. در ادامه به‌منظور تبیین مؤلفه‌های کالبدی معنابخش به خانه با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی و بر پایه مطالعه هستی‌شناسانه، داده‌های به‌دست آمده، در محیط نرم‌افزار MAXQDA ۲۰ تحلیل شده، سپس با استفاده از کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی، داده‌ها به مفاهیم، مقوله و سپس مؤلفه تبدیل شده است. براساس مصاحبه‌ها، ۱۹۷ کد استخراج شده است. مصاحبه‌شوندگان شامل سه گروه بوده‌اند و داده‌های به‌دست‌آمده پس از مصاحبه با جمعاً ۳۵ نفر به اشباع نظری رسیده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به مطالعات انجام‌شده، پنج مؤلفه شامل فضا، حیاط، تزیینات، نور و مبلمان از عوامل کالبدی تجلی‌بخش معنا در خانه هستند که هر کدام اشاره به معنایی دارند. با توجه به پایه هستی‌شناسانه این مقاله، خانه برای انسان، زمانی مفهوم خانه را می‌دهد که فراتر از بعد کالبدی، بازنمایی از هستی او که همانا توجه به بعد حرکت، زمان، خدا، آسمان و زمین است، باشد و معانی مختلفی که ریشه در هستی او دارد را در خود جای دهد.

واژگان کلیدی: مکان، فضا، هستی‌شناسی، گراند‌تئوری، انسان، معنای خانه.

مقدمه

موجب اشاعه مکان‌های فاقد معنا شده است. چنین معماری‌ای محیط‌های جبرگرا را ایجاد می‌کند که به‌ندرت برای انسان‌ها مکان‌های واقعی محسوب می‌شوند. این‌گونه

امروزه معماری به دور از توجه به نیازهای انسانی در خدمت منافع و ضروریات مصرف‌گرایی قرار گرفته که

سال «۱۳۹۸» در دانشکده «معماری» دانشگاه «آزاد اسلامی، واحد پروفسور حسابی تفرش» در حال انجام است.
* نویسنده مسئول: Said.MirRiahi@gmail.com: ۰۹۱۲۸۰۲۳۴۸۱۰

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «شیما اسلام‌پور» با عنوان «خانه کجاست؟ انعکاس معنای خانه در مسکن اجتماعی امروز در ایران» است که به راهنمایی دکتر «سعید میرریاحی» و مشاوره دکتر «سوزان حبیب» از

– مؤلفه‌های کالبدی معماری در معنا بخشی به مفهوم خانه کدام‌اند؟

پیشینه تحقیق

با توجه به گستردگی موضوع معنا شناسی، تحقیقات درخور توجهی در حوزه معنا و عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان در کشورهای غربی و در دهه‌های اخیر انجام شده است. در این زمینه از صاحب نظرانی که به نقش معنا در معماری اذعان داشته، می‌توان به نوربرگ شولتز اشاره کرد. از نظر او، معنای از پدیده‌های طبیعی، انسانی و معنوی نشأت می‌گیرند و معماری، آنها را به بیانی فضایی ترجمه می‌کند، در حالی که معماری عملکردگرای مدرن با ایجاد محیطی دیاگراماتیک و کاربردی به بحران معنایی دامن زده و باعث شده است فضای عملکردی به مثابه گسترشی همگن در تمامی جهات باشد و فضایی بدون رموز و تفاوت‌های کیفی ایجاد کند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۷). در حوزه مطالعات انجام شده در ایران، صدری کیا، بمانیان و پورمند (۱۳۹۸)، ضمن تأکید بر کالبد معماری به عنوان بستری جهت تجلی معنای، تمثیل در معماری را زمینه ایجاد بناهای نو با بنیان‌های معنادار که موجب آفرینش معماری متعالی و ماندگار، در عصر حاضر می‌شود، معرفی کرده‌اند. از نظر آنها مهم‌ترین مؤلفه‌های تمثیلی به کاررفته در معماری که واسطه انتقال معنا در فضا هستند، شامل: نور، هندسه، اعداد، نظم، تداوم، حرکت و طبیعت است که همگی اصل توحید را به مثابه بالاترین مرتبه حقیقت و معنا بیان می‌کنند. وحدت، کریمی مشاور و بخشی بالکانلو (۱۳۹۶)، ضمن آنکه یکی از معیارهای مؤثر در ایجاد معنای مکان را عوامل کالبدی معرفی کرده‌اند، ابعاد شکل‌دهنده معنای مکان را شامل تنوع بصری و هندسه مکان، محصوریت و تناسب کالبدی، مبلمان و استفاده از نمادها معرفی کرده‌اند. سعادت، اعتصام، مختاباد امرئی و مهدوی نژاد (۱۳۹۶)، با مقایسه مفهوم شفافیت در معماری ایران، مدرن و پست‌مدرن، آن را در معماری ایران یکی از عوامل کالبدی معنا بخش در جهت سیر انسان از ظاهر به باطن و از صورت به معنا، معرفی کرده‌اند. از نظر آنها در معماری ایران مفهوم شفافیت دارای سه جنبه واضح، پدیداری و معنایی بوده که با مفاهیم و عناصری همچون نور، پویایی و سیالیت، تداوم و پیوستگی فضایی، ارتباط درون و بیرون، ماده‌زدایی و سبکی، انعطاف و سازگاری، مطلوبیت و خوانایی و گشایش فضایی نمود پیدا کرده است. همان‌طور که در جدول ۱ مشخص شده است، برای انسان، زمانی فضا به مکان تبدیل می‌شود که فراتر از بعد کالبدی، آن فضا، با معنای آغشته شود. اما چیزی که در پژوهش‌ها مغفول مانده و دلیل تفاوت رویکرد و روش این مقاله با

از معماری معنای اصلی هستی بشر را منعکس نمی‌کند و در نهایت با تبدیل کردن انسان‌ها به تماشاگرانی منفعل، احساس تعلق به مکان آنها را می‌گیرد. در این راستا خانه به عنوان یک مکان، که اساسی‌ترین نیاز انسان پس از غذاست، از گذشته‌های بسیار دور، برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده است (راپاپورت، ۱۳۸۴)، اما در طی سال‌های اخیر به دنبال مادی‌گرا شدن زندگی انسان، از مفهوم کیفی خود دور شده و نگاه به آن صرفاً در قالبی فیزیکی بوده، در حالی که باید فراتر از فضای هندسی باشد (باشلار، ۱۳۹۲). با توجه به آنکه خانه اولین فضایی است که انسان به‌طور روزمره در ارتباط متقابل با آن قرار دارد، عدم توجه به ارزش‌ها و معنای موجود در آن، موجب یکنواختی و شباهت آنها شده و سبب شده خانه‌های امروزی فاقد معنا و انسان سرگشته و بی‌خانمان باشد، در حالی که به کارگیری معنا در مکان (خانه) می‌تواند در جهت ارتقاء کیفی، مفهومی، معنوی و بصری، کمک شایانی کند (ایرجی و نوروزبراز جانی، ۱۳۹۹). در این رابطه نوربرگ شولتز (۱۳۹۳) تأکید می‌کند، هدف معماری بر آوردن صرف نیازهای جسمانی نیست، هدف معماری، نگهداری و انتقال معناست. او معتقد است ریشه نابسامانی معماری معاصر از بی‌معنایی است. بدین ترتیب به دنبال تهی شدن فضای معماری معاصر از معنا، انسان معاصر با نگرشی تک‌بعدی، انتزاعی، متوقعانه و غریبانه نسبت به همه پدیده‌ها، از جمله محیط خود، از شناخت ذات و معنای مکان، بازمانده است (پرتوی، ۱۳۹۴).

با توجه به مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد از دلایل آنکه در خانه‌های امروزی احساس در خانه بودن را نداریم، این است که خانه‌های امروزی از معنا تهی شده‌اند. در این راستا هدف این مقاله بازگشت به معنای خانه با استفاده از مفاهیم مرتبط با هستی انسان و تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا، در جهت کیفیت بخشی به خانه‌های امروزی است. این مقاله با روش گراند تئوری^۱ و با استعانت از روش پدیدارشناسی^۲ هستی‌شناسانه^۳ که داعیه آن بازگشت به خود چیزها است، انجام شده است. انجام این پژوهش از آن جهت واجد اهمیت است که در عصر حاضر، خانه به امری صرفاً کمی تنزل یافته و به دنبال آن از معنای خانه برای ساکنانش دور مانده است. از آن جهت رویکرد پدیدارشناسی انتخاب شده که پدیدارشناسی برای اشیا موضوع و ماهیتی بیش از سطح ظاهری‌شان قائل و در پی توجهی جدی به کیفیت فضا و همراه کردن معنا با فضاست. مشکل معنا مشکل خانه‌های امروزی ماست. امید است نتایج به دست آمده بتواند در جهت ساخت خانه‌هایی که کیفیت مناسبی را برای زندگی انسان داشته باشد، گام‌های مؤثری بردارد. در این راستا، با شناخت حساسیت موضوع خانه، سؤال‌های تحقیق چنین‌اند:

– چگونه مکانی برای انسان معنای خانه را می‌دهد؟

جدول ۱. پیشینه تحقیق در خصوص مؤلفه‌های معنایی مکان براساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران و محققان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	نظریه پرداز / محقق	تأکیدات	مؤلفه‌های فضایی و مکانی تجلی‌بخش معنا
۱	کریستین نوربرگ شولتز (۱۳۵۳)	- معنا نیاز بنیادی انسان - بحران بی‌معنایی در معماری	- ترکیب فرم - سایه‌روشن - رنگ - نور
۲	صدری کیا و همکاران (۱۳۹۸)	- کالبد معماری به عنوان محملی برای تجلی معانی - به‌کارگیری تمثیل به‌عنوان روشی در - انتقال معنا	- سلسله‌مراتب و تداوم فضایی - نور - طبیعت - تزئینات - طبیعت و عناصر طبیعی
۳	وحدت و همکاران (۱۳۹۶)	- ایجاد معنای مکان با استفاده از سه مولفه ادراکی، کالبدی و اجتماعی - زمانی فضا معنادار است که به مکان تبدیل شود.	- هندسه - محصوریت - به‌کارگیری تناسب در فضا - به‌کارگیری نماد و سمبل
۴	سعادت و همکاران (۱۳۹۶)	- معرفی اصل شفافیت به‌عنوان یکی از عناصر معنابخش به فضا و تبدیل آن به مکان - مفهوم شفافیت در معماری ایران: واضح، پدیداری و معنایی مدرن: واضح (معماری شیشه‌ای) پست مدرن: پدیداری (سازماندهی فضایی)	- به‌کارگیری سطوح شفاف در جهت کاستن از ماده (شفافیت فضایی) - تداوم و پیوستگی فضایی - به‌کارگیری نور - به‌کارگیری آرایه‌های نمادین (تزئینات) - سلسله‌مراتب مفهومی

کالبدی، کمی و خوابگاهی دارد، درحالی‌که خانه مکانی است که روح زندگی در آن جاری است، مکانی است که برای افراد دارای بار عاطفی و احساسی بوده و فرد نسبت به آن تعلق خاطر دارد (هاشمی، ۱۳۷۵).

• مفهوم خانه از منظر پدیدارشناسی

خانه مرکزیتی است برای وجود انسان، یعنی مکانی که انسان از آنجا راه می‌افتد و باز به آنجا باز می‌گردد. از نظر مارتین هایدگر (۱۳۸۸)، با نگاهی هستی‌شناسانه، خانه، جهان انسان یا نماینده تعبیر و تفسیر او از جهان است.

• معنا در پدیدارشناسی

در فرهنگ معین، «معنا» به واژگانی چون مراد، مفهوم سخن، حقیقت و باطن اشاره دارد (معین، ۱۳۶۲). آن‌چنان‌که از معانی لغوی معنا برمی‌آید، معنا جنبه درونی، باطنی و غیرصوری هر چیز و حامل مقصود اصلی است، به‌عبارت‌دیگر، معنا، اصل و حقیقت اشیاء و پدیده‌هاست. «پدیدارشناسی» به معنای بازگشت به معنا و ماهیت پدیده‌هاست، پدیده‌هایی که به‌وسیله انتزاع‌ها، تجربی‌ها و داده‌های عددی و آماری به چیزی غیر آنچه هستند تبدیل شده‌اند. هدف پدیدارشناسی نیل به معانی ذاتی زیست جهان است، لذا پدیدارشناسی روشی برای هستی‌شناسی تلقی می‌شود. پدیدارشناسان همواره تلاش کرده‌اند که در مخالفت با ساخت‌گرایان، عملکردگرایان و

مقالات پیشین است، سه مسئله اساسی است: اول آنکه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه خانه که به مطالعه رابطه هستی انسان و کالبد معماری پرداخته‌اند، بسیار اندک است و غالباً با اتخاذ یک موضع تقریباً مشترک که از منظر حکمت اسلامی است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند، دومین تفاوت نظام فکری این مقاله با مقالات دیگر است که به کمک دستگاه فکری هایدگری (پدیدارشناسی هستی‌شناسانه)، به شناخت معنای خانه و تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا پرداخته و سومین، مربوط به روش کار است؛ به‌دلیل استفاده از روش گراند‌تئوری، یافته‌ها مستقیماً از مصاحبه با ساکنان و صاحبان خانه‌های مورد مطالعه و همچنین طراحان در همدان به دست آمده و لذا یافته‌ها استنباطی و تحلیلی هستند.

بررسی مفاهیم

• مفهوم خانه

خانه به‌طور عام، فضایی است که انسان در آن زندگی و رشد می‌کند و در کنار خانواده خود احساس آرامش و تعلق پیدا می‌کند. مفهوم «خانه» با مفاهیم نزدیک به آن از جمله «مسکن» متفاوت است. مسکن به‌عنوان یکی از اشکال پاسخ‌گویی به نیاز انسان برای سکناگزیدن است. مسکن به‌عنوان سرپناه، فضایی است که بیشتر جنبه

پدیدارشناسانه خانه، بر ارتباط انسان با طبیعت تأکید می‌کند. حیاط به‌عنوان فضای باز که در آن طبیعت حضور دارد، نمادی از خداوند است. وجود حیاط به دلیل حضور طبیعت سرشار از آرامش و زندگی است. از نظر اقالطیفی و حجت (۱۳۹۷)، خانه فراتر از کالبد، به معانی مختلفی اشاره می‌کند که ترکیبی تجربی و انتزاعی از زمان و مکان است. آنها فضای بسته و باز (حیاط) را از عوامل معنابخش به مفهوم خانه معرفی کرده‌اند. از نظر آنها فضاسازی خانه‌ها در گذشته (قاجار و پهلوی) به‌گونه‌ای بوده که از سطوح مختلف ارتفاعی بهره گرفته و وجود تنوع فضایی منجر به ایجاد تنوع حرکتی در سه بعد می‌شده است. درعین حال فضای باز، بسته و نیمه‌باز، با هم در ارتباط بوده و به کارکردهای هر فضا تنوع می‌بخشیده است. وجود سلسله‌مراتب، قلمرو عمومی تا نیمه‌عمومی - خصوصی و خصوصی را تعریف می‌کرده است. حیاط به‌عنوان فضای باز، با نقش مرکزی که داشته، کلیه فضاها را به هم مرتبط می‌کرده و منجر به ارتباط انسان با طبیعت به حد کمال می‌شده است. بدین ترتیب تک‌تک عناصر کالبدی در خانه با نقش نمادین و معنایی خود منجر به شکل‌گیری معنا در مکان می‌شده‌اند.

• تحقق ابعاد هستی در مکان / خانه

معماری به‌عنوان جنبه‌ای از هستی بشر در جهان، تفسیری از جهان‌بینی انسان ارائه می‌دهد. معماری با مکان‌بخشیدن به انسان پایگاهی برای هستی او محسوب می‌شود و فضای خالی را تبدیل به مکانی می‌کند که محل سکناگزیدن است. مکان یک پدیده کیفی و نه به‌عنوان یک مفهوم ریاضی، بلکه به‌عنوان یک بعد از وجود انسان است و زمانی که فضا دارای بار معنایی و ارزشی باشد، به مکان تبدیل می‌شود (مدنی‌پور، ۱۳۸۴). مکان، بخشی از هستی انسان و چیزی بیش از یک محل انتزاعی است و خانه به‌عنوان یک مکان، مرکزی است برای وجود انسان؛ کلیتی است که از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، ماده، شکل، بافت و رنگ است و نقطه‌ای است ثابت که محیط را به مکانی مسکون تغییر می‌دهد. کف خانه زمین را به یاد آورده، سقفش آسمان را و دیوارهایش افق پیرامون را، لذا خانه تصویری است از جهان و به‌قولی خانه خود زندگی است، درحالی‌که بناهای دیگر تصویری از زندگی هستند (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۳). خانه، جهان انسان یا نماینده تعبیر و تفسیر او از جهان است. انسان و جهان، اجزایی لاینفک و جدایی‌ناپذیرند. انسان امروز انسانی است که کمتر احساس درخانه‌بودن می‌کند، زیرا معماری مدرن باعث جدایی بین انسان و هستی او شده، مکان را در مقابلش قرار و صرفاً آن را به جنبه ابعاد

ادراک‌گرایان، به مفهوم‌ها و معانی موجود در فضا تأکید داشته باشند (سجادزاده و پیربابایی، ۱۳۹۱). معماری در مفهوم پدیدارشناختی، خلق مکان‌های بامعناست و می‌توان با پدیدارشناسی در معماری، با خلق مکان‌های ویژه، محیط را معنادار کرد (نوربرگ شولتز، ۱۳۵۳). با توجه به آنکه پدیدارشناسی، دو رویکرد را در برمی‌گیرد، در این مقاله رویکرد پدیدارشناسی هستی‌شناسانه انتخاب شده است. رویکرد هستی‌شناسانه به دنبال معنای مکان و کشف لایه‌های معنایی پدیده‌هاست. در این رویکرد، مکان، تبدیل به نقطه اولیه و مرکزی و از آنجا بقیه جهان تجربه و تعریف می‌شود.

• نظریه‌های مرتبط با ابعاد معنایی مکان

معنا و معناشناسی در علوم مختلف از جایگاه خاصی برخوردارند. معناشناسی در زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پدیدارشناسی به ترتیب به بررسی معنا در متن‌های نوشتاری، زندگی اجتماعی و پدیده‌ها می‌پردازد (سجادزاده و پیربابایی، ۱۳۹۱). از صاحب‌نظرانی که به نقش معنا در مکان اذعان داشته است، می‌توان به نوربرگ شولتز اشاره کرد. از نظر او یکی از ابعاد معنابخشی در معماری، فضا است. در نگاه پدیدارشناسانه او، از مهم‌ترین عوامل معنابخش که تعریف‌کننده فضا است، ارتباط عرصه درونی و بیرونی، به‌کارگیری مصالح طبیعی، مقیاس، رنگ، ریتم، مرز، حصار و مرکزیت است (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۳). یوهانی پالاسما ضمن آنکه پدیدارشناسی را به‌عنوان رویکردی جهت آشکارسازی وجوه پنهان (معنا) در فضا معرفی می‌کند، با اتکاء بر ادراکات حسی پنجگانه انسان در باب کیفیات عناصر کالبدی در فضا، مانند دیالکتیک فضای درون و برون، نمایش مصالح طبیعی، به‌کارگیری مقیاس انسانی، نور، تداوم بصری، بافت و رنگ، توجه انسان را به مفاهیمی معنایی در پدیدارشناسی همچون زمان، حرکت، جهان و وجود خدا معطوف می‌سازد (پالاسما، ۱۳۸۸). از نظر حمزه‌نژاد و دشتی (۱۳۹۵)، فضای بسته (اتاق)، نیمه‌باز (ایوان)، فضای باز (حیاط) و نور به‌عنوان عوامل معنابخش در معماری هستند. فضا با به‌کارگیری هندسه، تزیینات، رنگ و سایه - روشن، اتاق‌ها را تعریف کرده و بازشوه‌های مختلف در جداره اتاق‌ها، کیفیات متنوعی از ارتباط و دیالکتیک حیاط و اتاق‌ها و شفافیت را رقم می‌زنند. نور عمده‌ترین مشخصه فضای بسته، نمادی از وجود خداوند در فضا است. تجلی نور و رنگ در درها و پنجره‌ها و استفاده از رنگ سفید برای فضاها از جمله اتاق‌ها، حالتی نمادین و پر معنا به فضا می‌بخشد. مصالح طوری در خانه نمود پیدا کرده‌اند که نشانگر کیفیات ذاتی و آسمانی چیزها هستند. ایوان به‌عنوان فضای نیمه‌باز و یکی از مهم‌ترین مظاهر

مصاحبه‌های انجام‌شده در مجموع ۱۹۷ کد، ۴۲ کد باز، ۲۵ کد محوری و ۵ کد انتخابی استخراج شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA ۲۰ استفاده شده است، این برنامه، نرم‌افزاری برای تحلیل داده‌های کیفی است.

معرفی نمونه‌های موردی

استان همدان با مساحت تقریبی ۱۹۰۲۵ کیلومتر مربع، جزء استان‌های غربی ایران است که از شمال به استان زنجان، از جنوب به استان لرستان، از شرق به استان مرکزی و از غرب به استان کرمانشاه محدود است. شهر همدان مرکز استان، با داشتن قدمتی چند هزارساله، دارای خانه‌هایی در ادوار مختلف است که همانند گوهری در بافت‌های تاریخی جلوه‌گر هستند (تصویر ۱). با توجه به آنکه بخشی از مصاحبه‌ها با ساکنان و صاحبان خانه‌های مربوط به دوره پهلوی دوم انجام شده، در جدول ۲ تعدادی از خانه‌های مورد مطالعه، نمایش داده شده است. بررسی خانه‌های دوره پهلوی دوم از سه جنبه حائز اهمیت است، اول آنکه به‌عنوان بخشی از ارزشمندترین آثار معماری همدان هستند که به علت داشتن اصالت کالبدی به‌عنوان پشتوانه‌ای در شناخت هرچه عمیق‌تر معنای خانه (در همدان) ما را یاری می‌کنند، دوم آنکه با توجه به انجام مصاحبه در این مقاله به‌عنوان یکی از روش‌های جمع‌آوری داده‌ها، دوره‌ای انتخاب شده است که ساکنان آنها در حیات باشند تا در شناخت هرچه بیشتر معنای خانه بتوانند کمک کنند و سوم به‌علت پیوستگی زمانی بین دو دوره، برای برخی از مصاحبه‌شوندگان امکان داشتن تجربه زندگی در خانه‌های هر دو دوره وجود داشته است که در این صورت بهتر می‌توانند در پیشبرد اهداف مقاله کمک کنند. از جمله خانه‌های مربوط به این دوره در همدان می‌توان به خانه‌های احمدی (مازوچی)، صابریون، سماوات، تاج‌بخشیان، عبادی، ستاری و میرابیان اشاره کرد. عناصر معماری این خانه‌ها شامل حیاط مرکزی، تالار، شاه‌نشین، سهدری، دالان، ایوان و مهتابی، سیزان (زیرزمین) و حوض‌خانه است که با صاحبان (در گذشته تجربه زیسته در چنین خانه‌هایی را داشته‌اند) و بعضاً ساکنان آنها مصاحبه انجام شده است.

مراحل کدگذاری داده‌ها

کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شده است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). براساس مصاحبه‌ها، در مجموع ۱۹۷ کد (تصویر ۲؛ لازم به توضیح است با توجه به آنکه ارائه نمودار درختی حاصل از مصاحبه‌ها فضای زیادی

اندازه در جهت عملکرد، تقلیل داده است. هایدگر (۱۳۸۸) در کتاب «هستی و زمان»، زمان در عالم طبیعت را یکی از وجوه هستی و از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی معرفی کرده که طبیعت و انسان، در افق آن فهمیده می‌شوند. زمان به‌عنوان چیزی که انسان روزمره با آن مواجه است، موجب حرکت طبیعت می‌شود، از آنجاکه در جهان خلقت همه چیز پویا و در حال حرکت و تحول است، حرکت بدون امتداد در زمان معنا ندارد. لذا زمان و حرکت به‌عنوان ابعاد هستی انسان از نظر کالبدی عاملی برای فهم و ادراک فضا و جوهره درک هر فضایی هستند و از نظر معنایی عاملی برای پرواز روح یا خروج از دنیای ماده (مایس، ۱۳۸۳). هستی تمامیتی ملموس است، شامل آسمان و طبیعت، تا امور انتزاعی؛ تجلی چیزهایی است که کاراکتر اصلی خویش را در صورت گردهم‌آوردن چهارگانه به‌دست می‌آورد. چهارگانه از نظر هایدگر شامل زمین، آسمان، ایزدان (خدا) و میرایان (انسان) است. او این چهارگانه را که وحدتی ذاتی با هم دارند، هستی می‌نامد.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی کیفی و روش گراند تئوری انجام شده است. داده‌ها با استفاده از سه شیوه منابع معتبر، مصاحبه و مطالعات میدانی جمع‌آوری و تحلیل‌ها در نرم‌افزار MAXQDA ۲۰ انجام شده است. نحوه انتخاب افراد برای مصاحبه به‌صورت غیرتصادفی و گلوله‌برفی بوده است. جامعه تحت بررسی این مطالعه در همدان، شامل ساکنان و صاحبان خانه‌های حیاطدار مربوط به دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰) (صاحبانی که در گذشته تجربه زندگی در این‌گونه از خانه را داشته‌اند و هم اکنون به هر دلیلی در جای دیگری ساکن هستند)، ساکنان خانه‌های حیاطدار مربوط به دهه اول جمهوری اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۵۷) و معمارانی (افراد متخصص) بوده که براساس دانش و تجربه تخصصی خود اقدام به طراحی در حوزه خانه‌های حیاطدار کرده‌اند و همچنین تجربه زیسته در چنین خانه‌هایی را داشته‌اند. مدت‌زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۴۰ الی ۵۰ دقیقه بوده است. داده‌های به‌دست‌آمده پس از مصاحبه با جمعاً ۳۵ نفر به اشباع نظری رسیده است. از میان افراد مورد مطالعه، ۱۰ نفر، ساکنان خانه‌های حیاطدار مربوط به دوران پهلوی دوم، ۱۳ نفر، ساکنان خانه‌های حیاطدار مربوط به دهه اول جمهوری اسلامی و ۱۲ نفر از طراحانی بودند که تجربه طراحی و زندگی در چنین خانه‌هایی را داشته‌اند. به‌طور کلی، میانگین سنی افراد تحت بررسی، ۴۶ سال برآورد شده است. برای تحلیل اطلاعات و رسیدن به چارچوب مفهومی از کدگذاری استفاده شده است. براساس



تصویر ۱. نقشه شهر همدان و موقعیت قرارگیری تعدادی از خانه‌های مورد مطالعه در شهر. مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.

دارد. نتیجه نهایی این مرحله به‌دست‌آمدن مفاهیم بوده است. مفاهیم واحدهای اصلی تحلیل هستند. در مرحله دوم که کدگذاری محوری است و ماهیتی ترکیبی دارد، از اتصال بین مفاهیم، مقوله‌ها به‌دست آمده است. در نهایت مرحله سوم، کدگذاری انتخابی و عبارت است از فرآیند

اشغال می‌کند، لذا نمودار درختی یک گروه از مصاحبه‌ها در مقاله آورده شده است)، ۴۲ کد باز، ۲۵ کد محوری و ۵ کد انتخابی استخراج شده است. در مرحله اول، کدگذاری باز انجام شده است. هدف از انجام این مرحله، جداسازی داده‌ها و الصاق مفاهیم اولیه می‌باشد که ماهیتی تجزیه‌ای

جدول ۲. معرفی تعدادی از خانه‌های مورد مطالعه دوره پهلوی دوم (پلان طبقه اول و نما). مأخذ: نگارندگان.

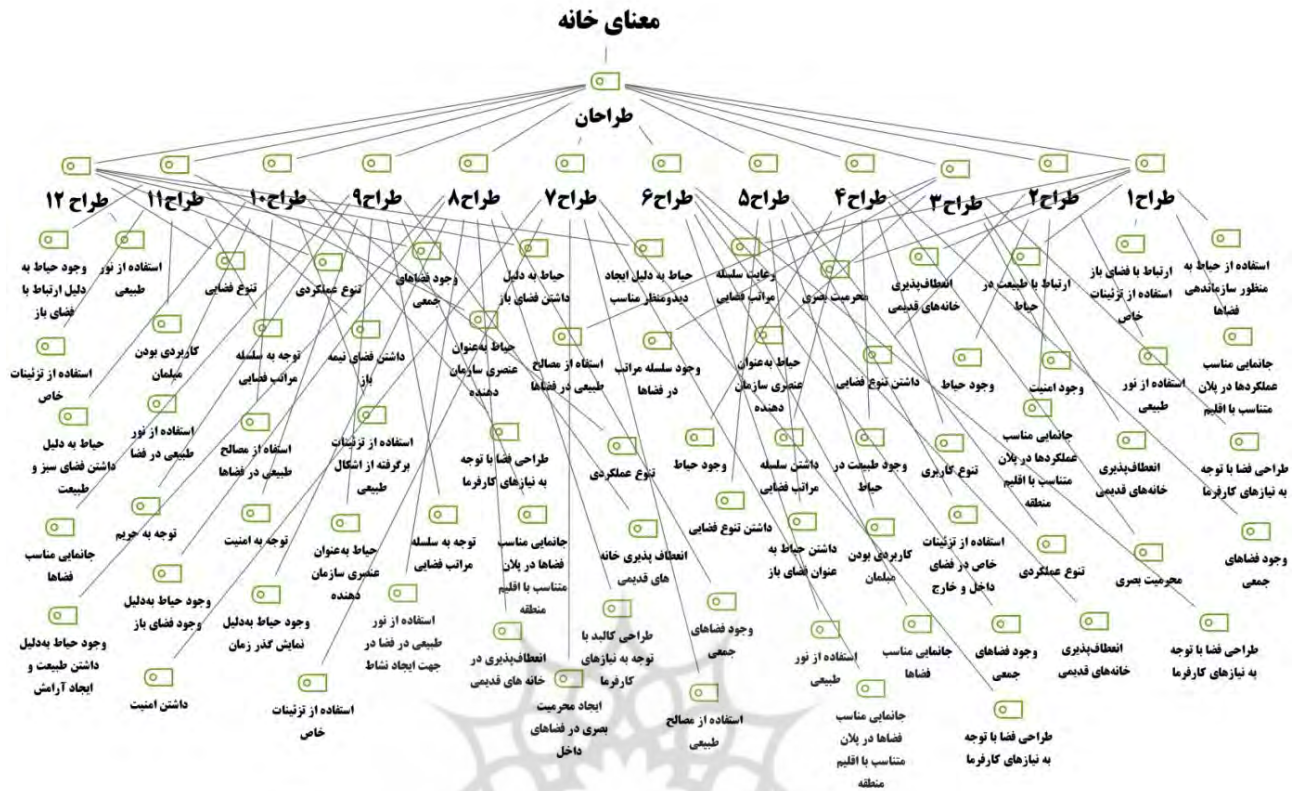
ردیف	خانه مازوجی	ردیف	خانه سماوات
۱	 خانه صابریون ردیف	۳	 خانه تاجبخشیان ردیف
۲	 خانه صابریون ردیف	۴	 خانه تاجبخشیان ردیف

با نوشتن مفاهیم در حاشیه متن داده‌ها (مصاحبه‌ها) آغاز شده است. در این مرحله، پس از خلاصه کردن مصاحبه‌ها و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مفاهیم شکل گرفته است. نام‌گذاری مفاهیم بدون هیچ‌گونه محدودیتی از لحاظ تعداد کدها صورت گرفته است (همان). در جریان این کدگذاری، داده‌ها خرد، تجزیه و تحلیل، مقایسه و مفهوم‌سازی شده

پالایش مقوله‌ها و نیز پیوند دادن آنها به یکدیگر. در این مرحله، با تجمیع و ارتباط بین مقوله‌ها، مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا تبیین شده‌اند.

• گام اول: کدگذاری باز (مفهوم‌سازی)

در این پژوهش برای انجام کدگذاری باز از روش تحلیل سطر به سطر استفاده شده است. بدین منظور کدگذاری



تصویر ۲. نمودار درختی حاصل از مصاحبه‌ها در نرم‌افزار MAXQDA 20. مأخذ: نگارندگان.

است. در این مرحله مجموعاً پنج مؤلفه کالبدی شامل فضا، حیات، تزیینات، نور و مبلمان به‌دست آمده که در تصویر ۳ مشخص شده است.

است. در این مرحله مجموعاً ۴۲ کد باز به‌دست آمده که در جدول ۳ تعدادی از آنها مشخص شده است. در ستون دوم سعی شده تا حد ممکن از جملات مصاحبه‌شوندگان استفاده شود.

• گام دوم: کدگذاری محوری (مقوله)

همان‌گونه که پیش‌تر نیز عنوان شد، این تحقیق در پی پاسخ به دو سؤال است، پرسش اول پیرامون اینکه چگونه مکانی برای انسان معنای خانه را می‌دهد و پرسش دوم در ارتباط با مؤلفه‌های کالبدی معنا بخش به مفهوم خانه است. در این بخش در مورد پنج مؤلفه کالبدی تجلی‌بخش معنا در خانه‌های مورد مطالعه که از اجماع سه شیوه کدگذاری به‌دست آمده، توضیحاتی داده شده است.

در این مرحله، بعد از آنکه در روند کدگذاری باز، داده‌ها به مفاهیم تقسیم شده است، کدگذاری محوری آنها را به سمت هم کشانده و با گروه‌بندی کردن آنها، مقوله‌ها تشکیل شده است. هدف از انجام این مرحله برقراری رابطه بین مفاهیم تولیدشده در کدگذاری باز بوده است. با اتمام مفهوم‌سازی داده‌ها در کدگذاری باز، مفاهیم مشابه در یک مقوله خاص، گروه‌بندی شده است. استخراج مقولات همانند مفاهیم از راه مقایسه انجام گرفته است. در این مرحله مجموعاً ۲۵ کد به‌دست آمده که در جدول ۴ تعدادی از آنها مشخص شده است.

• فضا

با توجه به آنکه بُعد حرکت یکی از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی و از ابعاد هستی انسان است، آن را می‌توان در فضاهای خانه‌های حیاطدار بررسی شده مشاهده کرد. بعد حرکت به‌عنوان جوهره درک فضا در معماری، در فضاهای این‌گونه خانه‌ها، به دو صورت کالبدی- بصری و معنایی جلوه یافته است. فضا از مفاهیم بنیادی در معماری است که ماهیتاً بی‌شکل بوده و شکل بصری و کیفیت آن

• گام سوم: کدگذاری انتخابی (مؤلفه)

مرحله سوم، کدگذاری انتخابی، فرآیند پالایش مقوله‌ها و نیز پیوند دادن مقولات به هم است (همان). در این مرحله وجوه مشترک به‌دست‌آمده از مراحل قبلی، شناسایی و با توجه به اشتراکات آنها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری قرار گرفته

جدول ۳. تعدادی از کدهای باز استخراج شده. مأخذ: نگارندگان.

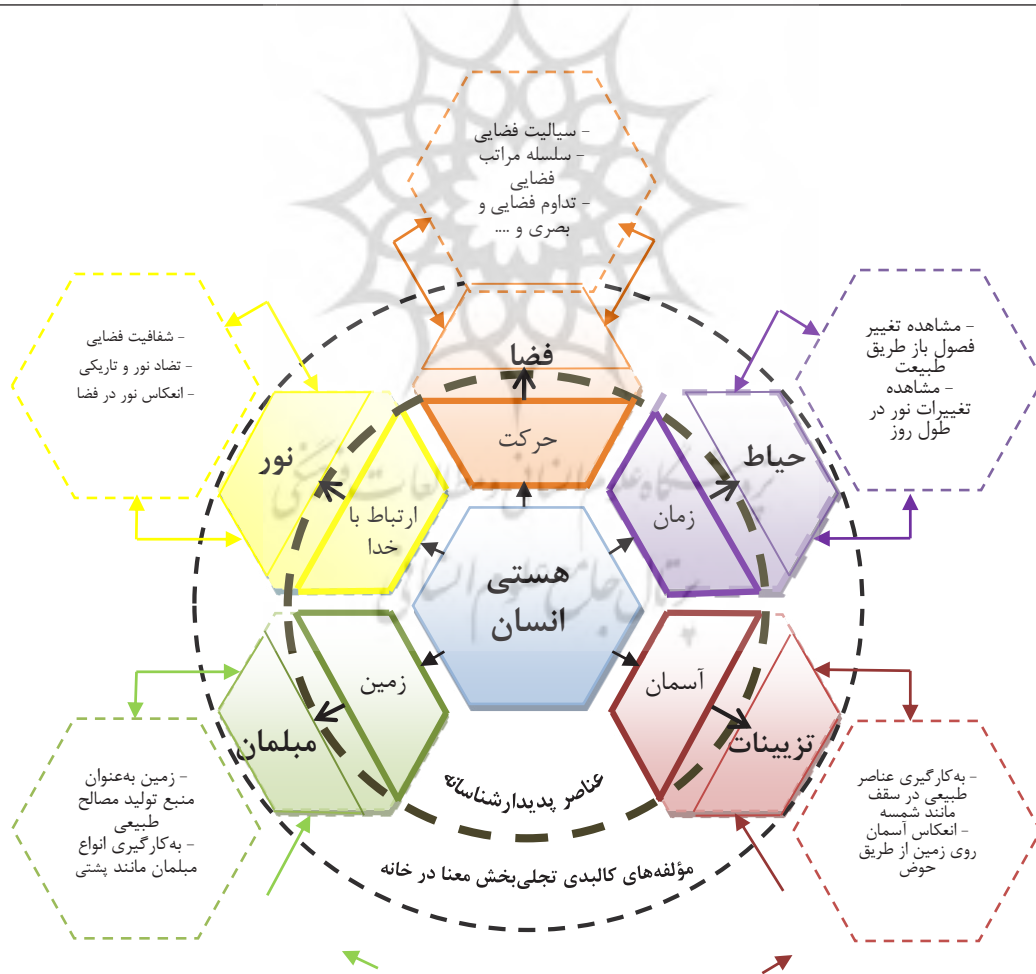
کد	داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها	مفاهیم
a1	وجود فضای باز و تهی	کاهش جرم و توده
a2	گذاشتن گلدان (عناصر طبیعی) پشت پنجره	ارتباط درون و بیرون
a3	گذراندن بخشی از زندگی در فضای باز	ارتباط با طبیعت
a4	استفاده از فضاهای مختلف در سطوح مختلف	پویایی
a5	مشاهده فصول با نگاه به باغچه (دیدن شکوفه، برگ سبز و زرد)	مشاهده تغییرات طبیعت
a6	شنیده شدن صدای پرندگان در فضای داخل	ارتباط با جهان خارج
a7	بازشدن پنجره به فضای سبز	ارتباط درون و بیرون
a8	استفاده از نقوش گیاهی در سقف	دعوت طبیعت به فضای داخل
a9	استفاده از حوض برای کاربردهای مختلف (گرفتن وضو، گذاشتن شمعدانی در لبه آن)	انعکاس آسمان
a10	مشاهده و ارتباط مستقیم با خورشید، ستاره و ماه از طریق فضای باز خانه	ارتباط با آسمان
a11	وارد شدن به حیاط (دسترسی به فضای بسته از طریق فضای باز)	گشایش فضایی
a12	مشاهده و ارتباط با طبیعت در حین استفاده از ایوان	ارتباط با طبیعت
a13	استفاده از نور طبیعی به منظور روشنایی فضاها	مشاهده تغییر ساعات روز
a14	وجود فضاهای نیمه‌باز مانند ایوان و تراس	فضای مابین
a15	تعریف پنجره به‌عنوان عنصری کاربردی جهت استفاده از نور طبیعی در فضا	گشایش، سبکی
a16	استفاده از مبلمانی مثل کرسی و پشتی	ارتباط با کف
a17	استفاده از مصالح طبیعی مثل سنگ و چوب در فضا	ارتباط با زمین (منبع تولید)
a18	به‌کارگیری عناصر طبیعی در فضای داخل مانند نگهداری انواع گیاهان و غیره	ارتباط درون و بیرون
a19	به‌کاربردن عناصر کیهانی در سقف	دعوت آسمان به فضای داخل
a20	استفاده از فضاهای مختلف با توجه به فصل	توجه به تغییرات طبیعت
a21	استفاده از پنجره‌های وسیع	کاهش جرم و توده
a22	دعوت نور به داخل فضا و جنبه غیرمادی دادن به فضای مادی	عبور نور
a23	استفاده از رنگ‌های روشن (غالباً سفید) در فضاها	سبکی
a24	دسترسی به فضای بسته از طریق فضای نیمه‌بسته	فضای مابین

ایجاد شده است. فضای چنین خانه‌هایی فضایی سیال است که از موانع گذر می‌کند، می‌توان از پایین‌ترین لایه خانه (زیرزمین) حرکت را آغاز کرد و به بالاترین لایه رسید. سازمان فضایی در مقابل این حرکت، علاوه بر آنکه مانعی ایجاد نمی‌کند، بلکه ساکنانش را به فضاهای مختلف هدایت می‌کند، از زیرزمین به حیاط، از حیاط به ایوان، از ایوان به بالاخانه، از بالاخانه به مهتابی، از مهتابی به بام و از بام به آسمان. ایوان به‌عنوان فضای نیمه‌باز و یکی از مهم‌ترین فضاهای چنین خانه‌هایی، علاوه بر تأکید به ارتباط با طبیعت و آسمان، در بیان شفافیت، کاستن از ماده، گسترش فضایی و تقویت حضور آسمان نقش مهمی دارد، مکانی است که از طریق ارتباط با فضای باز و بسته، درون و بیرون،

توسط عناصر تشکیل دهنده تعریف می‌شود. فضا، به‌واسطه کالبد، شکل، محصوریت و نوع فرمی که ایجاد می‌کند به واقعیت عینی تبدیل می‌شود. در خانه‌های بررسی شده، عناصر مختلف کالبدی از جمله اختلاف سطح، محوریت، شفافیت، ریتم و سلسله‌مراتب (باز، نیمه باز و بسته)، علاوه بر نمایش حرکت کالبدی در فضاها، به مفهومی بالاتر که همانا شروع سیر کمالی و حرکت درونی و معنایی در فضاهاست، اشاره می‌کنند. سازمان فضایی خانه‌های بررسی شده، تنوع فضایی گسترده‌ای را برای ساکنانش عرضه می‌کند، تجربه غذاخوردن در ایوان، در حیاط و بر روی تخت و در اتاق بسته. این تنوع فضایی از راه تنوع در میزان محصوربودن فضاها (بسته، باز، پوشیده)، تنوع کف‌ها و ارتفاع سقف‌ها

جدول ۴. تعدادی از کدهای محوری استخراج شده. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	مفاهیم	مقوله
a۱۸, a۷, a۶, a۲	ارتباط با جهان خارج، ارتباط بین درون و بیرون، پیوستگی فضایی	تداوم و هم‌پیوندی بصری و فضایی
a۲۳, a۱۵, a۱۱, a۴	گشایش فضایی، سبکی، پویایی	سیالیت فضایی
a۲۱, a۱	ماده‌زدایی و سبکی، کاهش جرم و توده	شفافیت فضایی
a۳, a۲۰	استفاده از فضاهاى مختلف با توجه به فصل	مشاهده تغییرات طبیعت
a۲۲, a۱۳	حضور بی‌واسطه نور در فضا	حضور الهی در فضا
a۲۴, a۱۴	وجود فضای مابین (فضای نیمه‌باز)	سلسله‌مراتب فضایی
a۱۰, a۹	دید به آسمان به‌واسطه برخورداری از فضای باز وسیع انعکاس آسمان بر زمین از طریق حوض	توجه به آسمان
a۱۹, a۸	به‌کارگیری عناصر طبیعی در سقف (شمسه و ...)	توجه به سقف
a۱۶, a۱۷	ارتباط با کف	توجه به زمین
a۱۲, a۵	مشاهده تغییرات فصول	گذشت زمان



تصویر ۳. مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا (کدهای انتخابی استخراج شده). مأخذ: نگارندگان.

گذر زمان و حرکت را در خود دارد. ایوان به عنوان فضای مابین (فضای سوم) یکی از عوامل اصلی پیوستگی، توالی و عرصه بندی فضایی در این خانه‌هاست که نقش مؤثری در سازمان دهی فضایی نیز دارد. وجود چنین فضایی میان فضاهای اصلی ضمن آنکه دو فضا را از هم تفکیک می‌کند، موجب می‌شود سیالیت و تداوم فضایی و بصری بدون هیچ انقطاعی ادامه یابد. به کارگیری سلسله مراتب (باز، نیمه باز و بسته) علاوه بر آنکه سبب شکل دهی به قلمروهای فضایی با کارکردهای متفاوت است و حریم بندی‌های فضایی را شکل می‌دهد، مهم ترین هدف آن حرکت در فضا، محرمیت و تفکیک قلمروهای متفاوت با وجود پیوستگی فضایی است. در این خانه‌ها، دیالکتیک میان درون و بیرون از طریق درجات متنوعی از گشودگی، فضای مابین و محصوریت بیان شده که شامل حیاط، ایوان و فضای داخل است که منجر به حرکت انسان در فضاها می‌شود. به کارگیری اصل شفافیت در خانه‌ها، به عنوان یکی از اصول هستی، علاوه بر جنبه کالبدی که از طریق پنجره درون را به بیرون ربط می‌دهد، نقش معنایی کم کردن از ماده، افزایش و تداوم فضا را نیز دارد، که به فضا حالتی غیرمادی و روحانی می‌دهد و بر بعد حرکت در فضاها تأکید می‌کند. مهم ترین ویژگی فضایی اتاق‌های چنین خانه‌هایی ارتباط دلبداری و حسی فضای اتاق با حیاط همیشه سبز است. در این خانه‌ها در فضای بسته، ارتباط با طبیعت و داشتن چشم انداز مناسب با استفاده از ارسی‌ها میسر بوده که با بالا کشیدن آنها، اتاق به شکل ایوانی که رو به سوی حیاط دارد، در می‌آید. بدین ترتیب خانه با جهان خارج، طبیعت و افق در ارتباط بوده و به روی آن گشوده می‌شده که از این طریق انسان می‌توانسته از درون فضا نظاره گر حرکت زمان از طریق مشاهده تغییرات ساعات روز، فصول و طبیعت باشد. استفاده از مصالح طبیعی در فضاهای داخلی علاوه بر جنبه کالبدی زیباشناسانه و بوم‌آورد، ویژگی‌های معنایی خاصی را بیان می‌کرده است، این گونه مصالح دارای صفات خاصی هستند که از طریق نمایش قدمت و کهنه شدن و در نهایت نمایش تأثیر زمان و حرکت به سمت جلو، بار معنایی به فضا می‌بخشند. بدین ترتیب فضا از طریق نمایش بعد حرکت که از ابعاد هستی انسان است، به عنوان یکی از مؤلفه‌های تجلی بخش معنا به مفهوم خانه است.

• حیاط

در خانه‌های حیاط دار بررسی شده بعد زمان که از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی و هستی انسان است، از طریق حیاط خود را جلوه می‌دهد. نیاز به حیاط و طبیعت یکی از بارزترین ویژگی‌هایی است که در این گونه خانه‌ها مورد توجه است. حیاط به عنوان اصلی ترین فضای باز و عنصری سازمان دهنده

به حساب می‌آید که علاوه بر جنبه کالبدی (برگزاری مراسم، انجام برخی امور و غیره)، ابعاد مختلف معنایی نیز دارد که مهم ترین آن توجه به بعد زمان است. ارتباط با طبیعت در درون این گونه خانه‌ها با حیاط تعریف می‌شود. از آنجاکه یکی از وجوه ارتباط انسان با هستی، ارتباط با طبیعت است، طبیعت علاوه بر جنبه کالبدی، برای ساکنان دارای بار معنایی نیز هست. طبیعت با نمایش تغییرات فصول و سبز و زرد شدن برگ درختان و تغییر ساعات روز، نقش مهمی در توجه به بعد زمان و گذر عمر را ایفا می‌کند. همچنین حیاط این خانه‌ها، زاینده نیروی مرکزگراست، مرکزیت، اجزای به ظاهر مختلف خانه را به هم پیوند زده و از این طریق خانه را به کل واحدی تبدیل می‌کند که به اصل وحدت اشاره دارد. وجود حوض در حیاط، علاوه بر جنبه کالبدی برای ساکنان، جنبه معنایی نیز دارد. بدین ترتیب که حوض آسمان را به زمین می‌کشاند. آسمان از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی و هستی انسان و با تغییرات خود در طول روز بیانگر گذر زمان است. وجود حوض در مرکز حیاط، اشاره بر اهمیت و مرکزیت آب در هستی دارد که انعکاس دهنده و ارتباط دهنده زمین با آسمان است. آب به دلیل ایجاد تصویری مضاعف از فضای پیرامون، حسی از پویایی، سیالیت و گستردگی را القاء می‌کند. بدین ترتیب حیاط از طریق نمایش بعد زمان که از ابعاد هستی انسان است، به عنوان یکی از مؤلفه‌های تجلی بخش معنا به مفهوم خانه است.

• تزیینات

آسمان از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی و هستی انسان، خود را در قالب تزیینات در خانه‌های مورد بررسی نمایش می‌دهد. در این خانه‌ها، به کارگیری تزیینات در کنار جنبه کالبدی و زیباشناسانه که نقش مهمی در کیفیت دهی به فضاها دارد، محملی برای بیان معانی نیز می‌باشد. استفاده غالب از گچبری در خانه‌های بررسی شده در جهت آرایش فضا با تأکید بر نمایش عناصر موجود در طبیعت مانند آسمان (ماه و خورشید) نشان دهنده توجه انسان به عناصر طبیعی و دعوت آنها به فضای داخل است. به کارگیری اشکال طبیعی بر روی سطوح، علاوه بر آنکه سطوح را مشبک نمایش می‌دهد، منجر به سبک سازی فضا شده، از بار مادی فضا کاسته و از طریق به کارگیری عناصر طبیعی (شمسه و گیاهان) بر روی سطوح به ویژه سقف، توجه ساکنان به آسمان و طبیعت که جایگاه خداوند نیز هست، جلب می‌کند. بدین ترتیب تزیینات از طریق نمایش آسمان که از ابعاد هستی انسان است، به عنوان یکی از مؤلفه‌های تجلی بخش معنا به مفهوم خانه است.

• نور

خدا از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی و هستی انسان است

تجلی مفاهیم وجودی در موجودیت کالبدی در خانه هستند. لذا خانه به‌عنوان مکانی واجد مؤلفه‌های سازنده معنا، که خود را در صور کالبدی نمایان می‌کند، دارای ارتباط عمیقی با هستی انسان است. در پاسخ به سؤال اول تحقیق، نتایج به‌دست آمده در خانه‌های حیاطدار بررسی شده در شهر همدان نشان‌دهنده آن است که برای ساکنان، خانه به‌عنوان یک مکان، زمانی معنای خانه را پیدا می‌کند که فراتر از بعد کالبدی به هستی انسان که چیزی جز دسترسی مستقیم و بی‌واسطه به پدیده‌های عالم نیست، ارتباط یابد. بدین ترتیب خانه در پیوند انسان با چیزی که همانا هستی اوست، معنا پیدا می‌کند. در این صورت خانه ترکیبی انتزاعی از مفاهیم هستی که شامل زمان، حرکت، زمین، آسمان و خداوند است، می‌شود. در رابطه با سؤال دوم، تبیین مؤلفه‌های کالبدی معنا بخش به خانه، با توجه به رویکرد این مقاله، ابتدا مفاهیم مرتبط با هستی انسان که شامل بعد حرکت، زمان، خداوند، آسمان و زمین است، استخراج شد. در ادامه عوامل کالبدی مؤثر در معنا بخشی به مفهوم خانه، با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی و بر پایه مطالعه هستی‌شناسانه، از طریق اجماع سه شیوه استخراج و تبیین شد. نتایج نشان داد که در خانه‌های حیاطدار همدان تجلی معنای خانه متأثر از پنج عامل کالبدی است که شامل فضا، حیاط، نور، تزیینات و مبلمان است. فضا علاوه بر جنبه کالبدی و عینی برای انسان با نمایش بعد حرکت، از جمله عوامل معنا بخش به مفهوم خانه است. فضا از طریق نمایش بعد کالبدی و معنایی حرکت در جهت حرکت به سمت تکامل و تعالی انسان در هستی، در خانه، خود را جلوه می‌دهد. حرکت در فضا به‌واسطه به‌کارگیری سلسله‌مراتب فضایی و بصری در جهت سیر در درون، حرمت و محرمیت در قالب فضای باز، نیمه‌باز و بسته، به‌کارگیری اختلاف سطح جهت نمایش حرکت انسان از پایین‌ترین طبقه (سیزان) به بالاترین طبقه (بام) و اشاره به عروج انسان، به‌کارگیری شفافیت کالبدی و معنایی در قالب نمایش تداوم فضایی و بصری و کم‌کردن از ماده و گسترش فضا و افق، رعایت تناسبات انسانی، ریتم و محوربندی از طریق به‌کارگیری تقارن در فضا در جهت نمایش حرکت عمودی و افقی، دیالتیک درون و برون و به‌کارگیری مصالح طبیعی در فضا و نمایش قدمت آن خود را جلوه می‌دهد. مؤلفه حیاط نیز به‌عنوان فضای باز و تهی در خانه‌های مورد مطالعه، علاوه بر جنبه کالبدی، دارای ابعاد معنایی است. توجه به بعد زمان و زمان‌بندی که جزء سرشت هستی و از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی است، در حیاط به‌واسطه حضور طبیعت و ارتباط مستقیم انسان با آن در نمایش تغییرات روز و شب، فصل و ماه، روشنایی و تاریکی، خود را جلوه می‌دهد. مؤلفه تزیینات

که خود را در قالب حضور نور طبیعی در خانه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد. در خانه‌های حیاطدار بررسی شده، نور علاوه بر جنبه کالبدی در جهت کیفیت‌بخشی به فضا، دارای بار معنایی و محفلی برای حضور خداوند در فضا است. انعکاس نور از یک واسطه فیزیکی (پنجره ارسی) به فضا معنا بخشیده و معانی متعالی را متجلی می‌سازد. از مهم‌ترین ویژگی‌های به‌کارگیری گسترده نور طبیعی در این‌گونه خانه‌ها، مشاهده دگرگونی آن در طول روز است که سبب پویایی فضا در زمان‌های مختلف می‌شود و ضمن ارزش‌بخشیدن به ماده، به فضای کالبدی، حالت روحانی بخشیده، به‌گونه‌ای که شعاع‌های آن به‌طور واضح در داخل کالبد مادی و تاریک، تابیده و یادآور حضور خداوند در فضا می‌شود. در کنار نور، رنگ نیز صورتی متکثر از نور است که می‌توان آن را در شیشه‌های پنجره‌های ارسی در این‌گونه خانه‌ها مشاهده کرد. رنگ با تجزیه نور، نمادین‌ترین تمثیل تجلی کثرت در وحدت را نمودار می‌سازد، زیرا از یک سو رنگ همان نور است (وحدت) و از دیگر سو نور، با تجزیه شدن، تجلیات مختلفی می‌یابد (کثرت). بدین ترتیب نور با ایجاد فضای پروخالی و سایه-روشن در کنار رنگ، به برقراری ارتباط ذهنی با خالق بزرگ هستی و تولید معنا در فضا و ترجمانی از مفاهیم هستی می‌پردازد. بنابراین به‌کارگیری نور طبیعی از طریق امکان حضور خداوند که از ابعاد هستی انسان است، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تجلی‌بخش معنا به مفهوم خانه است.

• مبلمان

زمین که از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی و هستی انسان است، علاوه بر جنبه کالبدی، در خانه‌ها دارای بار معنایی نیز بوده است که خود را در قالب مبلمان نشان می‌دهد. استفاده از مبلمان سنتی مانند پستی، کرسی، گلیم و قالی در خانه‌های بررسی شده، ارتباط مستقیم انسان با کف و زمین را برقرار می‌کند. زمین به‌واسطه استفاده از این‌گونه مبلمان و مصالحی که به بنا هدیه می‌کند (نظیر سنگ و چوب) برای انسان، حضوری پیرنگ و معنا بخش در خانه را دارد. بدین ترتیب نوع مبلمان از طریق ارتباط مستقیم انسان با زمین که از ابعاد هستی انسان است، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تجلی‌بخش معنا به مفهوم خانه است.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد معنای خانه، تجلی‌گر مفاهیمی معنوی بوده است تا مادی و کالبدی. در این راستا عناصر و کالبد خانه، عینیتی است در جهت تجلی معانی که در قالب هستی ساکنان خانه متجلی می‌شود. در چنین فضایی، عناصر و اندام‌ها ضمن هم‌پیوندی ساختاری با هم، محملی برای

با توجه به آنکه بستر مطالعاتی در شهر همدان بود، لذا نتایج این مقاله را می‌توان به خانه‌های شهر همدان تعمیم داد، همچنین عواملی چون فرهنگ، هویت و آداب و رسوم، به‌عنوان بستر و بخش جدایی‌ناپذیر از معنای خانه در این پژوهش بوده است. پیشنهاد می‌گردد در مطالعات بعدی و در راستای پرداختن به موضوع این مقاله، به بررسی و مطالعه تطبیقی عوامل ذکر شده در معنا بخشی به مفهوم خانه در شهرهای مختلف ایران پرداخته شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. Grounded Theory
۲. Phenomenology
۳. Ontological

فهرست منابع

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبانی رویه‌ها و شیوه‌ها* (ترجمه بیوک محمدی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- آقالطیفی، آزاده و حجت، عیسی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، (۴)، ۴۱-۵۴.
- ایرجی، جواد و نوروزبازجانی، ویدا. (۱۳۹۹). *معنا در معماری معاصر ایران: بعد از انقلاب اسلامی*. تهران: دانشگاه پارس.
- باشلار، گاستون. (۱۳۹۲). *بوطیقای فضا* (ترجمه محمد شیربچه و مریم کمالی). تهران: روشنگران.
- پالاسما، یوهانی. (۱۳۸۸). *چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی* (ترجمه رامین قدس). تهران: پرهام نقش
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: متن.
- حمزه‌نژاد، مهدی و دشتی، مینا. (۱۳۹۵). بررسی خانه‌های سنتی ایران از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. *نقش جهان*، (۲)، ۲۴-۳۵.
- راپاپورت، اموس. (۱۳۸۴). *معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی درارتباط غیرکلامی* (ترجمه فرح حبیب). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- سجادزاده، حسن و پیربابایی، محمدتقی. (۱۳۹۱). مفاهیم فضای شهری در شهر اسلامی. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۱۰)، ۲۵-۳۴.
- سعادت، داوود؛ اعتصام، ایرج؛ مختاباد امرئی، سیدمصطفی و مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۶). تبیین مفهوم شفافیت در دوره‌های مدرن، پست‌مدرن و ارزیابی آن در معماری اسلامی ایرانی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، (۲)، ۷۵-۹۰.
- صدری کیا، سمیه؛ بمانیان، محمدرضا و پورمند، حسن‌علی. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی کارکردهای تمثیل با رویکرد بیان معنا در معماری ایرانی. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، (۲۹)، ۸۱-۹۸.
- مایس، پیرفون. (۱۳۸۳). *نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان همراه با تحلیل و قیاس با مبانی معماری ایران* (ترجمه سیمون آیوازیان). تهران: دانشگاه تهران.

ضمن توجه به بعد زیباشناسانه و ایجاد کیفیت‌بخشی به فضا، از طریق به‌کارگیری عناصر طبیعی و اشکال هندسی مانند شمسه و مقرنس بر روی سطوح به ویژه سقف، به فضا بار معنایی بخشیده و بر حضور و اهمیت آسمان در خانه و اصل کثرت در وحدت تأکید می‌کند. آسمان از مفاهیم مرتبط با پدیدارشناسی و هستی انسان و سرچشمه کیهان و محمل خورشید است. مؤلفه نور در کنار رنگ از دیگر عوامل کالبدی معنا بخش در خانه‌هاست. نور از جنبه‌های قداستی دریافت حقیقت الهی و از ارکان هستی انسان است. استفاده از رنگ‌های روشن (غالباً سفید) و دعوت نور طبیعی به فضاها، منجر به ایجاد سایه-روشن، ایجاد فضای پروخالی و انعکاس نور در فضا شده که زمینه بازتاب تجلی‌گونه ذات حضرت حق را بیان می‌کند. در خصوص مؤلفه مبلمان، با توجه به آنکه زمین نیز یکی از ارکان مرتبط با هستی انسان و پدیدارشناسی است، انسان از طریق نشستن بر روی مبلمان سنتی مانند فرش و پشتی، با زمین ارتباطی مستقیم برقرار می‌کند. همچنین زمین به‌عنوان منبع تولید مصالح طبیعی مانند چوب و سنگ که به بنا هدیه می‌کند، موجب ارتباط انسان با زمین می‌شود.

بدین ترتیب در خانه‌های حیاطدار همدان، هر یک از عناصر کالبدی، معانی ویژه‌ای دارند. این عناصر کالبدی با کیفیات و ویژگی‌های منحصر به فرد، خانه‌هایی سرشار از زندگی برای انسان‌ها هستند. لذا می‌توان گفت در چنین خانه‌هایی، معماری با خلق معنا در پس کالبد، معنای‌ای را برای انسان تداعی کرده که به فراتر از بعد کالبدی در خانه اشاره می‌کند. معنای‌ای که با هستی و زندگی انسان در ارتباط است. هرچه معنای به ابعاد هستی و وجودی انسان بیشتر مرتبط باشند، انسان پیوند عمیق‌تری با مکان خواهد داشت. بدین‌گونه خانه بازنمایی از عالم هستی انسان می‌شود که انسان می‌تواند در آن سکونت کند. لذا خانه تصویر، تجسم و مظهر هستی و جهان انسان است. این چنین است که در خانه‌های امروزی به‌واسطه توجه به بعد کمی و صرفاً کالبدی معماری، شاهد از بین رفتن معنای هستیم. امید است بتوانیم با شناخت مؤلفه‌های کالبدی معنا بخش، تا حدی مکانی را به‌عنوان خانه واقعی برای زندگی انسان امروزی به‌وجود آوریم. چنین خانه‌ای، جهانی سرشار از پدیده‌های طبیعی و انسانی را متجلی می‌کند و همان‌طور که نوربرگ شولتز گفته است: «وظیفه اصلی هر خانه افشای جهان نه به‌صورت گوهر و عصاره بلکه به شکل فراخوان یعنی در قالب ماده، رنگ، گیاه، نمایش فصول، آب و هوا و نور است». بدین ترتیب می‌توان گفت برای انسان مفهوم خانه دارای مفهومی فراتر از یک واقعیت عینی است، واقعیتی که انسان را به آنچه هستی‌اش است، مرتبط می‌کند. در پایان یادآور می‌شود

- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی - مکانی (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- معین، محمد. (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی. (ج. ۴). تهران: سپهر.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۷). معنا در معماری غرب (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: فرهنگستان هنر.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۵۳). هستی، فضا و معماری (ترجمه محمدحسن حافظی). تهران: تهران.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۹۳). وجود، فضا و معماری (ترجمه ویدا نوروزبrazجانی). تهران: پرهام نقش.
- وحدت، سلمان؛ کریمی مشاور، مهرداد و بخشی بالکانلو، عادل. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران. آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۶)، ۱۲۹-۱۴۴.
- هاشمی، سیدرضا. (۱۳۷۵). خانه و معمار. آبادی، ۶(۲۳)، ۲-۳.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۸). هستی و زمان (ترجمه سیاوش جمادی). تهران: ققنوس.

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
اسلام‌پور، شیمای؛ میرریاحی، سعید و حبیب، سوزان. (۱۴۰۰). در جست‌وجوی معنای خانه: تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی، مطالعه موردی: خانه‌های حیاط‌دار همدان. باغ نظر، ۱۸(۱۰۵)، ۷۹-۹۲.

DOI:10.22034/BAGH.2021.274639.4813
URL:http://www.bagh-sj.com/article_142833.html

